

سرویس اخبار ویژه: سوء استفاده از اختیاراتی که قانون برای مدیران مشخص کرده است، از سوی مدیران اجرایی، حدیث درروز و امروز نیست و متأسفانه بدلیل ضعف نهادهای نظارتی، این سوء استفاده ها در مقیاس های کوچک و بزرگ، پنهان و پدید آمده دارد. از جمله نقاط آسیب پذیر و فساد آمیز در سازمانها، مباحث مربوط به پیمان سپاری یا واگذاری پروژه ها و طرح ها در قالب مناقصه یا دستورکار است. در شرکتهای آب و فاضلاب قانون مقرر کرده است قراردادهایی که مبلغ آنها کمتر از ۲۰۰ میلیون ریال باشد، بدون مناقصه و صرفاً بانظرمديرعامل قابل انعقاد است. این موضوع محمل بسیاری از سوء استفاده ها در بستن قراردادهاست، بدلیل آنکه توان و تجربه پیمانکاران سنجیده نمی شود و اگر هم سنجیده شود، صرفاً مدیر عامل این کار را انجام می دهد و نه یک هیات یا مجموعه مستقل. به همین دلیل امکان سوء استفاده و رابطه بازی در انتخاب پیمانکاران وجود دارد و همچنین بدلیل کارشناسی نشدن قیمت های ارائه شده و عدم محدودیت در واگذاری چند طرح و پروژه به یک شرکت، موجبات تضییع بیت المال و حقوق دولت را فراهم می کند.

چند ماهی که از حضور آقای س، در سمت مدیرعاملی یکی از شرکتهای آب و فاضلاب استان تهران می گذرد و روشهای غیرمتمارافی در انتخاب پیمانکاران و اجرای طرحها و پروژه ها اعمال می شود که امکان و زمینه سوء استفاده و حیف و میل بیت المال وجود دارد.

این مدیرعامل که تحصیل کرده رشته بهداشت محیط است، پس از حضور در این سمت، تمام پیمانکارانی که در مدیریت قبلی اش در یکی از شهرهای جنوب غربی

## در یکی از شرکتهای آب و فاضلاب استان تهران

چه خبر است؟

### سوء مدیریت و حیف و میل بیت المال



استان تهران، با آنها همکاری داشته را به این شرکت منتقل کرده و پروژه ها را به آنها واگذار می کند، که از جمله این شرکتها، شرکت پ می باشد. همچنین در ارزشیابی پروژه ها و در قانونی بودن و صحت و سلامت برخی از مناقصه ها جای شک و شبهه وجود دارد. بطوری که در یک

مناقصه ای که این شرکت برگزار کرد، این مناقصه به دلایل غیر مستدل باطل شد و این روند تا آنجا ادامه پیدا کرده تا شرکت مورد نظر، برنده مناقصه شد. در یکی از مناقصه ها، آقای ق مشاور مالی مدیرعامل این شرکت یک مناقصه را چندبار باطل کرد تا اینکه شرکت ز، برنده این مناقصه شود، زیرا این شرکت طرف قرارداد شرکت آب و فاضلاب کرج نیز می باشد و جالب اینکه آقای ق مشاور مالی آقای س (که پست مشاور را هم اشغال کرده است)، معاون شرکت آب و فاضلاب یکی از شهرهای استان تهران نیز می باشد!!

از سوی دیگر، مدیرعامل آقای س، در بسیاری از طرحها و پروژه ها که می تواند موضوع را به مناقصه بگذارد و ضمن ایجاد رقابت در کاهش قیمت، از توان بالای شرکتهای قوی استفاده کند، با استفاده از اختیار قراردادهای زیر ۲۰۰ میلیون ریال، پروژه ها را بصورت دستورکار و بدون مناقصه واگذار می کند.

بر اساس اخبار سرویس ویژه، این شرکت از توان مدیریتی و کارشناسی به شدت فقیر است. بطوری که معاونان این شرکت، فاقد تجربه و رشته تحصیلی مرتبط بانوع فعالیتشان هستند و همگی دارای مدرک کارشناسی بهداشت محیط بوده و از همکلاسی های مدیرعامل می باشند. در حالی که از نظر مقررات معاونان شرکت به خصوص معاون مالی و پشتیبانی باید حتما دارای رشته تحصیلی مرتبط باشد ولی در این شرکت اینگونه نیست متأسفانه عدم توجه واحدهای نظارتی به موضوعات اینگونه، و گذشتن از کنار این مسایل، زمینه بروز فساد و سوء استفاده در سازمان ها را ایجاد می کند.

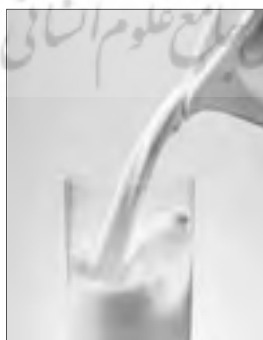
## به دلیل ضعف واحدهای نظارتی دولت:

### شرکتهای تولید محصولات لبنی، دولت را دور زدند

چندی پیش شورای اقتصاد تصویب که قیمت محصولات سه فرآورده لبنی پرمصرف، ماست ۲/۵ درصد، شیریونیر، به قیمت اسفندماه ۸۵ برگردد. زیرا شرکتهای تولید محصولات لبنی، خودسرانه قیمت محصولات را از ۲۰ تا ۴۰ درصد افزایش داده بودند.

این تصمیم شورای اقتصاد به شرکت های تولید محصولات لبنی ابلاغ گردید و احمدی نژاد دو تن از اعضای کابینه را مامور کرد تا در یک روز کاری، با حضور در این شرکتها، از نزدیک شاهد اعمال این مصوبه بر روی قیمت محصولات خود باشند. در همان روز، مصری، وزیر رفاه تأمین اجتماعی، در حین بازدید

از یکی از شرکتهای تولید محصولات لبنی، در مصاحبه ای که با خبرنگار واحد مرکزی خبر انجام داد، گفت: الان بنده شاهد هستم که این شرکتهادارند مصوبه شورای



اقتصاد را اجرا می کنند! مصری به تولیدکنندگان قول داد که مابه التفاوت قیمت تمام شده را دولت بصورت یارانه در اختیار این شرکتها قرار خواهد داد. این

مانوریک روزه دولت انجام شد، اما این شرکتها، مصوبه شورای اقتصاد را در عمل انجام ندادند و به طرز ماهرانه ای دولت را دور زدند.

دولت این شرکت ها را فقط در سه کالای پرمصرف، موظف به کاهش قیمت کرده بود، لذا این شرکتها، برای اینکه افزایش قیمت کالاهایشان مشمول این طرح نشود، اقدامات زیر را انجام داده اند و دولت هم دلش خوش است که مصوبه داده و شرکت ها هم اجرا می کنند:

۱- چربی ماست را از ۲/۵ درصد به ۳ درصد یا ۴ درصد افزایش داده اند و با ۴۰ درصد افزایش قیمت می فروشند. ماست ۲/۵ درصد دبه ای شرکت کاله، که پیش از این طرح ۱۶۰۰ تومان بود، الان با افزودن یک درصد چربی (البته آن هم فقط بصورت نوشته در روی برچسب) به قیمت ۲۳۰۰ تومان فروخته می شود.

۲- دیگر به هیچ وجه شیرهای کم چرب و یارانه های تولید نمی کنند و شیرها را به محصولات ویژه که قیمت

شان خارج از طرح کنترل قیمت هاست، تبدیل می کنندو به همین دلیل شیر در تهران در فصل تابستان به شدت کمیاب است. در حالی که هرگز این کمبود در این فصل سال سابقه نداشته است.

این موضوع سه قضیه را اثبات کرد:

۱- بادستور نمی توان اقتصاد را اداره کرد و به خصوص اینکه دستور دهنده ضعیف و ناتوان باشد. بعد نظارتی دولت کاملا ضعیف و ناتوان است و اگر هم با دستور بخواهیم اقتصاد را بچرخانیم، بایک دولت قوی و مجموعه کارآمد این کار امکان پذیر است، نه با یک مجموعه ضعیف و ناتوان.

۲- ضعف دولت رادر نظارت و اجرای برنامه هایش



بیش از پیش ثابت کرد.

۳- به ظاهر هدف از اختصاص یارانه ها و هر چند به قشر آسیب پذیر جامعه هستند، ولی استفاده کنندگان واقعی از این یارانه ها، این اقشار نیستند و اقشار دهک بالایی جامعه بهره مندان واقعی از یارانه ها هستند. دولت هر چند باهدف حمایت از اقشار آسیب دستور کاهش قیمت رداد، اما این شرکت ها علاوه بر این که یارانه ها را از دولت می گیرند، اما محصولات مورد نیاز اقشار کم درآمد جامعه را تولید نمی کنند و با یارانه هایی که می گیرند برای اقشار خاص و مرفه جامعه که مشتریان ویژه محصولات هستند، محصول عرضه می کنند.

## چرا باید وزیر امور اقتصاد و دارایی

### برکنار شود؟

پورمحمد



موج دوم تغییرات کابینه با استعفای وزیر صنایع و معادن و برکناری وزیر نفت، آغاز شده و بازار گمانه زنی و شایعات درباره ادامه این تغییرات و احتمال برکناری برخی از اعضای کابینه داغ است.

البته حامیان دولت در موضع گیری ها و اظهار نظرهای خود، این تغییرات را مثبت و در راستای میثاق دولت با مردم و در جهت تقویت کابینه می دانند و از این تغییرات دفاع می کنند. گذشته از مسایل حاشیه ای این تغییرات و نیت واقعی استعفا دهندگان و حقایق پشت پرده برکناری ها، اگر بخواهیم از منظر موضع مدافعان و حامیان این تغییرات به مسئله نگاه کنیم هدف اصلی از این تغییرات را در جهت تقویت کابینه، کمک به تحقق شعارها و برنامه های رئیس جمهور فرض کنیم (البته فقط فرض کنیم) نقش و سهم خواهی های حلقه مشاوران و یاران رئیس جمهور را در وادار کردن اعضای کابینه به استعفا یا متقاعد کردن رئیس دولت برای برکناری برخی از آنها و میزان ناتوانی یا توانمندی و ملاک انتخاب افراد جایگزین را در این فرض دخالت ندهیم، و نظر حامیان دولت را که، این برکناری ها بی هیچ شائبه درگیری قدرت و سهم خواهی و صرفا جهت ترمیم و بهبود کابینه و تقویت آن است، بپذیریم، این سوال مطرح می شود که، چرا ضعیف ترین وزیر کابینه، بی پایبندترین وزیر به میثاق نامه، کم کارترین عضو کابینه و غیرهمسوتترین با اهداف رئیس دولت که کارنامه قابل قبولی در دوسال فعالیت خود ندارد، برکنار نمی شود؟ اگر این استدلال حامیان دولت را که، برکناری ها برای بهبود کیفی و بالا بردن توان کابینه، جهت تحقق اهداف

دولت و خدمت بیشتر و بهتر به مردم است، صحیح و مقرون به واقعیت باشد، چرا این ترمیم کابینه با برکناری وزیری که وزارتخانه تحت امرش، بدلیل ماهیت نوع فعالیتش، منشاء گره بسیاری از مشکلات در نظام اجرایی کشور است، کامل نمی شود؟

۱- از ابتدای روی کار آمدن دولت نهم، بیشترین موضع گیری ها و اظهار نظر ها و گلایه های رئیس جمهور، در حوزه اقتصادی، مربوط به نظام بانکی بوده است. بطوری که وی در نشستی که با اقتصاد دانان داشت و پس از این در گفتگوی ویژه خبر شبکه دو سیما، سه سوال مطرح کردند که دغدغه اصلی دولت در حوزه اقتصادی



است. یکی از این سه سوال مربوط به حوزه بانکی بود. فارغ از نوع نگرش، تفکر و برداشت رئیس جمهور نسبت نظام بانکی و کارکرد این نظام، و این که نگرش ایشان چقدر با اصول علم اقتصاد و واقعیت های نظام بانکی مطابقت دارد یا ندارد، این نارضایتی از نظام بانکی، پس از دو گذشت سال از عمر دولت که متولی اصلی این نظام وزیر امور اقتصاد و دارایی است، متوجه چه کسی است؟ مطمئنا این نارضایتی را نمی توان متوجه رئیس یک شعبه بانک دانست و یا منظور رئیس جمهور از ناکارآمدی نظام بانکی را، به ناکارآمدی یا ناتوانی کارمند ساده و تحویلدار بانک تعبیر کرد. بلکه این نارضایتی ها متوجه سیستم بانکی و سیاستگذاری های آن است که از وظایف وزارت اقتصاد است که مسئولیت آن نیز با وزیر اقتصاد می باشد. عمق نارضایتی های رئیس جمهور از نظام بانکی در حدی است که در عرض کمتر از یک ماه، دو فرمان برای پیدا کردن راهکارهای لازم برای اصلاح این سیستم صادر می کند. بنابراین اگر کوتاهی و قصور در اصلاح نظام بانکی و هماهنگ کردن آن با اهداف دولت وجود دارد، مسئولیت مستقیم آن با دربان یا نامه رسان بانک نیست، بلکه مسئولیت مستقیم آن با وزیر امور اقتصاد و دارایی است. لذا اگر رئیس جمهور درصدد اصلاح نظام بانکی، نظام بیمه ای و اصلاح سایر حوزه های اقتصادی است باید این تغییرات را از سیاستگذار این حوزه یعنی وزارت امور اقتصاد و دارایی است شروع کند.

ریشه های نارضایتی رئیس جمهور از نظام بانکی را